

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۴ جون ۲۰۱۹

## "حامدکرزی" در نقش "شیطان"!

پنجشنبه- ۲۳ جوزا ۱۳۹۸ - کابل: یادداشت امروز را به صحبت هائی اختصاص می دهیم که با همکار قبلی ما، یعنی فردی که به نسبت تعلق تباری اش، یک باره از "زیر دست" به "بالادست" تبدیل شده و اینک با اطلاع از اخبار "از مابهتران" گاهگاهی به "تنویر" ما نیز می پردازد، وی می گوید:

۱- در بین سیاستمداران فعلی افغانستان، زیرکتر، محیل تر، مرتجعتر و منافق تر از "حامدکرزی" کس دیگری وجود ندارد. زیرا:

۲- "حامدکرزی" بین تمام سیاستمداران آمده از غرب، یگانه کسی است که برای انجام کارهایش برنامه های طویل المدت دارد. یعنی برای کاری که اینک باید انجام دهد، ۵ تا ده سال قبل برنامه اجرای آن را تدوین نموده، مطابق همان برنامه عمل می کند. مثلاً:

۳- "کرزی" از جانب امریکا وظیفه داشت تا چگونگی راه های پیوستن طالب به امریکا را جست و جو نماید. برای انجام این مأمول در همان ۵ الی ده سال قبل، وی نیز برنامه داشت تا چنان مواضعی اتخاذ نماید که علی رغم تکیه زدن بر یک کرسی اهدائی "سیا"، در بین عناصر ناآگاه و کم اطلاع خود را عنصر "ضد امریکائی" و حتا بعضاً "ضد تجاوز" معرفی دارد، تا بدان وسیله امکان نزدیکی با طالب برایش فراهم آید.

۴- انجام این خواست، کار ساده ای نبود زیرا همه من جمله "طالب" می دانست که وی نفر امریکا و دست نشاندۀ امریکاست و این او بود که سوار بر تانکها و طیارات غول پیکر امریکا و در پناه حمایت مطلق و همه جانبه امپریالیسم امریکا، با بیرون راندن و بیرون انداختن "ملا عمر"، خود زمام امور را به دست گرفت.

۵- به استناد گفته های این "آگاه سیاسی" که گوش های شنوائی دارد و مطالب دور و نزدیک خود را خوب تعقیب و به حافظه می سپارد، "حامدکرزی" به همان سان که در ۲۰۱۴ وظیفه داشت تا "غنی احمدزی" را به قدرت برساند، از همان زمان وظیفه داشت که به کمک وی شتافته خلاء ها و کمبوداتش را نیز پر نماید، تا برای دور دوم نیز بر سریر قدرت باقی بماند.

۶- با شناختی که "کرزی" از "غنی احمدزی" داشت و می دانست که وی انسانی است خشک مغز، خیره سر و لجوج؛ از همان آغاز حدس زده می توانست که کار "غنی احمدزی" به رسوائی می کشد. لذا برای آن که خودش نیز در آتش

"غنی احمدزی" نسوزد و به مانند وی در محراق نفرت مردم قرار نگیرد، کوشش کرد در تمام این ۵ سال در نقش یک مخالف جدی "غنی احمدزی" خود را تثبیت نماید.

۷- راهی که جهت رسیدن به این هدف انتخاب نمود، بسیار ساده بود. کافی بود تا "غنی احمدزی" را نزد دوست و دشمن بد بگوید و خود و یا نماینده اش را انسانهای شایسته تری نسبت به "غنی احمدزی" معرفی بدارد. به همین اساس کرزی جاسوس امریکا و شریک تبار گرایان ارگ در رأس همه "غنی احمدزی"، کوشید تا خود را مخالف "غنی احمدزی" و امریکا معرفی بدارد.

۸ - هدف کرزی از ابراز ضدیت با امریکا، احیای شخصیت آسیب دیده خودش و ایجاد فضای باز برای جانشینانش بود. همین بود که در تمام این سالها ضمن آن که علناً اینجا و آنجا ظاهراً از تخریب "غنی احمدزی" دریغ نورزید مگر در اساس در کنار "غنی احمدزی" ایستاده شده، در حد توان به وی کمک نمود، تا حاکمیتش را حفظ نماید.

۹- اکنون که دو مسأله مهم جلو روی حاکمیت "غنی احمدزی" قرار گرفته، یعنی یکی انتخابات و دوام قدرت و دیگری کنار آمدن با طالب و به اصطلاح تأمین صلح، "کرزی" بسیار آگاهانه از موضع مخالفت با "غنی احمدزی" داخل صفوف مخالفانش شده، به کمک و همکاری "سیا" وظیفه دارد تا مخالفان را با چالهایی که یادش می دهند، به پای "غنی احمدزی" با پنبه حلال کند و به همین سان زیر نام مخالفت با "غنی احمدزی" تمام خواستهای وی را با طالب در میان گذارده مقدمات عقد دائم آنها را مساعد بسازد.

هموطنان گرامی

آنچه از نظر تان گذشت، فقط از قلم من تراوش نموده، ایده و استدلال آن مربوط به همکار قبلی ما می باشد.

**سرکها ما را می طلبید!!**